سند روایت عیص بن قاسم؛ «رآه القوم جمیعا فاتفقوا علی انه لیلتین»

خب حال مقدمه روایت عیص بن قاسم را عرض کنم؛ در حدائق جلد سیزدهم، صفحه دویست و هشتاد و چهار از این روایت بحث کرده‌اند. ایشان ذیل «هل تعتبر غیبوبة الهلال بعد الشفق فی ثبوتیه لیلة السابقة» مطالبی را راجع به تطوق و غیبوبت بعد الشفق مطرح کرده‌اند. تا اینجا که می‌فرمایند:

> **ما رواه الصدوق فی الصحیح عن عیص بن القاسم «انه سألأبا عبد الله (علیه السلام) عن الهلال إذا رآه القوم جمیعا فاتفقوا علی انه لیلتین أ یجوز ذلك؟ قال نعم».**
>
> **فهو خبر شاذ لا یعارض ما قدمناه من الأخبار المستفیضة الدالة علی ان الاعتبار بالرؤیة أو الشاهدین و انه لا اعتبار بالظن و غایة ما یفیده اتفاق القوم هنا هو الظن بذلك. و الله العالم.[1]**

ایشان رد کرده‌اند. ابتدا توضیحی راجع به سند روایت عرض کنم. ایشان فرموده‌اند: «رواه الصدوق فی الصحیح». مرحوم شیخ در تهذیب همین را دارند. مجلسی اول ملامحمد تقی رضوان الله علیه؛ علامتین؛ پدر هم علامه هستند. به پسر علامه مجلسی می‌گوییم ولی پدر هم همینطور هستند. ایشان هم ماشاءالله خیلی بزرگ هستند. ایشان در لوامع فقط فرموده‌اند که این سند صحیح است. در روضة المتقین فرموده‌اند: «و سأله العیص بن القاسم فی الصحیح کالشیخ»[2]. «کالشیخ» یعنی همانطور که صدوق با سند صحیح روایت کرده، شیخ هم در تهذیب به سند صحیح روایت کرده است. پس در هر دو کتاب از کتب اربعه سند صحیح است.

فقط در اینجا نکاتی داریم. تا جایی که من دیدم تمام علمائی که این حدیث را نسبت به فقیه ذکر کرده‌اند، همه به «الصحیح» تصریح کرده‌اند. حتی در نرم‌افزار هم صحیح است. روایتی که صدوق در فقه بسند صحیح آورده است. اما وقتی در فقیه نگاه می‌کنید می‌بینید «و سأله العیص بن القاسم»، از امام صادق علیه‌السلام سؤال کرد. خب چرا همه فرموده‌اند صحیح است؟ به‌خاطر اینکه «و ساله» را به حدیث قبلی تعلیق گرفته‌اند. حدیث قبل دارد: «وَ رَوَى أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ». یعنی «روی ابان» که «ساله العیص». پس این روایت را تعلیق گرفته‌اند. ولذا در باب بعدی که روایت « سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع...» است، می‌گویند ضعیف است. می‌گویند مرسل است. اما روایت «سأله العیص بن قاسم» را ضعیف

نگرفته اند. چون به روایت قبلی که از ابان است، تعلیق گرفته‌اند. در مشیخه وقتی نگاه می‌کنید مرحوم صدوق طریق «کلما رویته عن ابان بن عثمان» طریق را می‌آورند. طریق خیلی عالی العالی است. طریق خودشان به ابان بن عثمان را می‌آورند. لذا همه علماء این جور فهمیده‌اند که این روایت تعلیق به روایت قبلی است. به مشیخه مرتبط با ابان می‌رسد.

نکته‌ای که هست، این است: در طریق صدوق به ابان، دو تا هستند. یکی خود صفوان بن یحیی است. و حال اینکه در سند تهذیب خودش بلاواسطه از عیص روایت می‌کند. این تفاوت را روی حساب مشیخه در نظر داشته باشید. پس روایت در فقیه صحیح است اما صفوان از ابان از عیص است. اما در تهذیب صفوان از عیص است. صفوان بن یحیی خودش از عیص روایت می‌کند. علی ای حال سند صحیح است. آیا در اینجا سقط داریم؟ نه. صفوان مفصل از عیص بن قاسم روایت کرده است. در فقیه هم در مشیخه اسم او آمده است و الّا در فقیه ابان را گفته اند و بعد فوری گفته اند «سالة عیص بن قاسم».

شاگرد: صدوق در مشیخه به خود عیص طریق ندارد؟

شاگرد۲: دارد.

استاد: پس لازم نیست به طریق قبلی باشد. لذا علماء روی حساب آن فرموده‌اند.

صاحب وسائل این حدیث را ذیل باب شیاع آورده‌اند. باب دوازدهم، «باب ثبوت رویة الهلال بالشیاع و بالرویة فی بلد آخر قریب». روایت ششم، همین روایتی است که می‌خواهیم بخوانیم.

> **محمد بن علي بن الحسين باسناده عن عيص بن القاسم أنه سأل أبا عبد الله عليه السلام عن الهلال إذا رآه القوم جميعا فاتفقوا أنه لليلتين أيجوز ذلك؟ قال: نعم.[3]**

هر کسی این روایت را در وسائل ببیند، می‌گوید برداشت صاحب وسائل از این روایت، صغرائی برای شیاع بوده است. اگر طرد للباب بوده، باید تذکر می‌دادند. فرموده‌اند «باب ثبوت رؤية الهلال بالشياع وبالرؤية في بلد آخر قريب»، بعد همه روایت ششمی را می‌آورند. آیا روایت می‌خواهد شیاع را بگوید یا نه؟ ظاهرش این است که اصلاً روایت ربطی به شیاع ندارد. چه بسا در شیاع یک نفر یا دو نفر دیده‌اند. اما به قدری اطمینان به آن بوده که همه مردم دارند می‌گویند. خبر رؤیت شیاع دارد. اینجا که اینطور نیست. همه قوم با هم دیده‌اند. اینرا که نمی‌توان شیاع گفت. چه شیاعی است که همه قوم ایستاده‌اند و دارند می‌بینند؟! بین علمائی که این را آورده بودند، فقط آسید محمد سعید حکیم به این تذکر داده بودند. گفته بودند این روایت که اصلاً ربطی به شیاع ندارد.

شاگرد: «أ یجوز ذلک» را اینطور معنا نکنیم. یعنی «فاتفق لليلتين» همه نباشد، «أ یجوز ذلک» هم همان رویتی باشد که داشتند. لذا همان روایات رؤیت می‌شود.

استاد: یعنی این همه دیدند، می‌خواهد بگوید این رؤیت است یا نه؟! خیلی بعید است.

شاگرد: گویا یک امارة ای آمده که می‌خواهد بگوید بلند است و نمی خورد. گفته اند «أ یجوز ذلک»؟! یعنی رویتی که قبلاً داشتند.

استاد: قبلاً رویتی نکردهاند. الآن دارند رؤیت میکنند. شایع برای دیشب است. نه برای امشب. باز هم اگر تأییدی برای فرمایش صاحب وسائل داشتید، بفرمایید. آسید محمد سعید طاهراً در مصباح المنهاج کتاب الصوم شان این را فرمودهاند. دیگران را ندیدهام.

---

[1] الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة نویسنده : البحراني، الشيخ يوسف جلد : ۱۳ صفحه : ۲۸۴

[2] روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ج۳ ، ص: ۳۴۸

[3] وسائل الشيعة - ط الإسلامية نویسنده : الشيخ حرّ العاملي جلد : ۷ صفحه : ۲۱۲

بازبینی #5
ایجاد شده 1 دسامبر 2025 14:24:14 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 فوریه 2026 16:00:01 توسط ... .